

# تبیین سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی با بهره گیری از تفسیرالمیزان

مهدی سبحانی نژاد<sup>۱</sup>، علی کشاورز زاده<sup>۲\*</sup> و شهلا نفیسی مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد، مدیر گروه علوم تربیتی

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، معاونی آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، معاونی آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد

Email: [keshavarz.ali66@gmail.com](mailto:keshavarz.ali66@gmail.com)

## چکیده

سلوک اجتماعی زنان از ارکان تحقق تمدن اسلامی است. تحقق تمدن اسلامی مستلزم درک نیازهای فردی و اجتماعی زنان است. قرآن و روایات منابع ارزش‌های بنیادی در خصوص سلوک اجتماعی زنان است. تفاسیر موجود و از جمله تفسیر المیزان، منابع متناسب برای استخراج سلوک اجتماعی شایسته زنان در تمدن اسلامی است که می‌تواند برای درک ژرفای تعالیم الهی، کمک دهنده باشد.

مطالعه حاضر با مراجعه به تفسیر المیزان درصدد پاسخ به سوال‌های زیر است؟

نقش و اهمیت سلوک اجتماعی زنان در تحقق تمدن اسلامی چیست؟

ابعاد سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی در عرصه‌های: خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چیست؟ روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، از نوع توصیفی-تحلیلی (تحلیل اسنادی) است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با استفاده از تفسیر المیزان و به کمک فرم فیش‌برداری، داده‌های کیفی حاصل شده و سپس در راستای هدف پژوهش با استفاده از تکنیک‌های تحلیل کیفی، طبقه‌بندی و تحلیل شود.

کلید واژه‌ها: سلوک اجتماعی، زنان، تفسیر المیزان

## مقدمه

واژه تمدن از واژه‌هایی است که ظرفیت معنایی فوق العاده‌ای دارد و به همین خاطر همواره ذهن فیلسوفان، برنامه ریزان و رهبران را به خود جلب کرده است. هر آنچه در

جامعه سازی (اعم از فرد، اجتماع، سازمان‌ها و نهادها، ساختارها و سیستم‌های اجتماعی و ..)

جهانی سازی (اعم از روابط بین کشورها، جریان قدرت، جریان کار و اقتصاد، سبک زندگی و ..)

آینده پژوهی (اعم از کشف روندها، طراحی روندها، تحلیل محیطی و سناریونویسی)

برنامه ریزی استراتژیک (اعم از تحلیل وضعیت گذشته و موجود، طراحی چشم انداز و افق آینده مطلوب، طراحی

راهبردهای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، تصمیم سازی و تصمیم گیری، طراحی مدل پیشرفت و توسعه)

همگی از اجزاء مفهومی و معنایی واژه تمدن هستند. در واقع هر جامعه‌ای که بخواهد تمدن سازی کند و یا تمدن ساز باقی

بماند، باید به مفاهیم و کلیدواژه‌های فوق توجه کند و در فرآیند جامعه سازی، جایگاه هر یک از آنها را مشخص کند و در نقطه

مقابل هر جامعه‌ای که بدون توجه به مفاهیم فوق و جایگاه آنها، جامعه سازی کند، دچار افول تمدنی می‌گردد و در افق آینده

در فضای رقابت بین تمدن‌ها، حذف می‌گردد. در فرآیند تمدن سازی اسلامی، باید علاوه بر پاسخ به نیازهای فردی و خرد

زندگی، به نیازهای کلان و اجتماعی زندگی نیز پاسخ داد.

یکی از مهمترین ارکان تمدن اسلامی، زنان می‌باشد. زنان اساس جامعه و عامل تعیین کننده در تمدن آن بحساب می‌آیند،

چرا که خانواده اساس و منشا ساخت جامعه ایده آل و کانون رشد و آرامش بشری است و تا خانواده مطلوب بنا نشود نمی‌توان

جامعه مطلوب را رقم زد.

در تمدن اسلام زن به عنوان پیکره اصلی جامعه، دارای نقشی تعیین کننده در بقا و گسترش نسل انسانی، پرورش و تربیت

فرزندانی صالح در خانواده می‌باشد که این امر مورد توجه اندیشمندان بوده و هست. ازدیدگاه اسلام "زنان" مانند مردان حق

شرکت در امور مختلف جامعه را دارند؛ از آن زمان که پیامبر اکرم رسالت خود را برای هدایت انسان‌ها آغاز کرد (بی تا). زنان

می‌توانند به همراه مردان بعد از آشنایی با مفاهیم قرآن کریم و ایمان به ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های اجتماع حضور پیدا

کنند، که مجاهدت‌های حضرت خدیجه در سال‌های آغازین نشر و گسترش اسلام در دفاع از نهضت پیامبر از مصادیق روشن

و آشکار مسئولیت‌های اجتماعی زنان در اسلام بوده است و نشانگر حضور اجتماعی آنها در اجتماع و مشارکت فعال در عرصه‌های

مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی است. از میان این اندیشمندان علامه طباطبایی در تفسیر جامع خود نیز به

این موضوع پرداخته است.

بنابراین، شناخت سلوک اجتماعی زنان و حمایت از آن یکی از جدی‌ترین مسائل اجتماعی، فرهنگی، و تفکر دینی روزگار

ماست که جا دارد به آن اهمیت بیش از پیش داده شود. پژوهش حاضر، مجموعه دیدگاه‌ها و نظرات علامه را از تفسیر المیزان

گردآوری نموده و در یک نظام واره شایسته قرار دهد. در این پژوهش منظور از سلوک اجتماعی، مجموعه رفتارهای فرد در

جامعه در تمامی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، خانوادگی، می‌باشد.

علامه در ذیل آیات مربوط به زنان از یک طرف و آیاتی که مربوط به زنان و مردان هر دو می‌باشد از طرف دیگر، دربرخی

موارد جهت نشان دادن سلوک اجتماعی زنان از شرح و توضیح آیاتی استفاده می‌شود که مخاطب آن آیات مردان و زنان هر دو هستند ولی بواسطه وجود رابطه عاطفی زنان و نقش مهم آنان در آن موارد می‌تواند بیانگر سلوک اجتماعی زنان نیز باشد و اگر این چنین نمی‌کردیم نه علامه به طور واضح و مشخص سلوک اجتماعی زنان را جداگانه و مبسوط بیان کرده است و نه در قرآن این سلوک اجتماعی به صورت گسترده و مجزا برای زنان آمده است. اما اشاراتی را که از آن آیات و سخنان علامه ذکر می‌کنیم به گونه‌ای است وجود زنان و نقش آنان نیز هم مدنظر علامه بوده است و هم در آیات قرآنی به آن اشاره شده، گونه نیست که علامه فقط مردان را مدنظر داشته باشد، شاید بتوان گفت علامه آیات سوره‌های، بقره، نساء، احزاب، نور، مریم، طلاق، تحریم و حجرات را بیشتر مورد توجه قرار داده است و محور اصلی این پژوهش نیز همین آیات و سوره‌هاست. از آن‌جا که روش علامه در تفسیر قرآن، استفاده مناسب و منطقی و شایسته از دیگر آیات قرآن می‌باشد، و تفسیر قرآن به قرآن که به عنوان روش اصلی تفسیر وی است کار تحقیق و پژوهش را پیرامون سلوک اجتماعی قوام می‌بخشد، زیرا تقریباً به دیگر آیات و سوره‌هایی که به موضوع مربوط باشد نیز اشاره می‌شود، در مسیر این تحقیق از دیگر کتاب‌های تفسیری و حدیثی پیرامون زنان نیز استفاده شده است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی می‌باشد. بدین صورت که با استفاده از تفسیر قرآن طباطبایی (بقره، نساء، احزاب، نور، مریم، طلاق، تحریم و حجرات) به بررسی سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی پرداخته است.

## روش پژوهش

این پژوهش بر اساس مسأله‌ای که به آن موجه است، در پارادایم شبکه‌ای؛ با راهبرد توصیفی؛ با رویکرد تحلیل مفهومی و با ابزار کشف لایه‌های معنایی انجام می‌شود. در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات اولیه به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و در ادامه، اطلاعات لازم برای تحلیل به صورت تحلیل مفهومی و با کشف لایه‌های معنایی صورت گرفته است. تحلیل اطلاعات در این پژوهش، به صورت توصیفی انجام شده است.

## سوالات پژوهش

- الف: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی خانواده) در تفسیرالمیزان چیست؟
- ب: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی اجتماع) با توجه به تفسیرالمیزان چیست؟
- ج: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی اقتصادی) با توجه به تفسیرالمیزان چیست؟
- د: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی سیاسی) با توجه به تفسیرالمیزان چیست؟

## یافته‌های پژوهش

الف: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی خانواده) در تفسیرالمیزان چیست

خانواده نهاد مقدس اجتماعی است که در همه جوامع مذهبی و غیر مذهبی پذیرفته شده و توسعه یافته است. در همین

مدرسه بزرگ تربیتی است که فرزندان به تدریج از رفتارهای پدر و مادر الگوبرداری می‌کنند. کودکان تا چند سالی مطابق اصل همانند سازی تلاش می‌کنند، که کارهای خود را همانند و شبیه آنان انجام می‌دهند، از آنجا که کودکان مطابق فطرت الهی، خداپرست و درست‌کردار به دنیا آمده‌اند، چنانچه در محیط تربیتی آنان رفتارهای مطابق آیین توحید باشد، و والدین به وظایف خویش آشنا باشند، آنان نیز موحد و متقی خواهند شد در غیر این صورت منحرف می‌شوند، لذا تمدن اسلامی متشکل از خانواده هاست، و محورهای جامعه از طریق رفتارها و روابط خانوادگی قابل توصیف است و اثر وجودی مفید یا زیان بخش آن هم به جامعه منتقل می‌شود. (طبسی، ۱۳۷۳ش، ۳). از جمله مهترین سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی بشرح زیر می‌باشد.

#### - راز دار بودن زنان

در شکل گیری سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی، رازپوشی و حفظ اسرار می‌تواند نقش مهمی را داشته باشد وقتی که رازداری در خانواده پایدار باشد دفع آسیب‌ها و عیب‌های همسر از نقطه نظر اصلاح و پاکسازی بدور کسر شأن و شکستن اقتدار خانواده و ریختن آبروی او معنا می‌دهد است، و از دخالت‌های دیگران و از دست رفتن اختیار زندگی از دست همسران جلوگیری می‌کند. بنابراین، تشبیه ذکر شده در آیه به این معناست که لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند، و از سوی دیگر عیوب او را می‌پوشاند، و همچنین زینتی هست برای تن آدمی، دو همسر یکدیگر را از انحرافات حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند وسیله راحت و آرامش یکدیگرند، و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شود، این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها رابه یکدیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱/، ۶۵۰).

یکی از آداب و سلوک زنان در تمدن اسلامی، مسئله راز دار بودن آنها است، آیات آغازین سوره تحریم اشاراتی را در این مورد نموده است:

"وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُمْ وَأَخْرَصَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳) " (تحریم / ۳) " و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت، و همین که وی آن را [به زن دیگر] گزارش داد و خدا [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود. پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد، وی گفت: «چه کسی این را به تو خبر داده؟» گفت: «مرا آن دانای آگاه خبر داده است."

راز داری نه تنها از صفات مومنان حقیقی است بلکه هر انسان باشخصیتی باید رازدار باشد این معنا و مفهوم در مورد خانواده و دوستان نزدیک اهمیت بیشتری دارد، در آیات فوق ذکر شده است که پیامبر اکرم رازی را به بعضی از همسران خود گفت، آن را فاش کرد و خداوند پیامبر را از این افشاگری همسرش آگاه کرد، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گوشه‌ای از این ناسپاسی همسرش را به او اعلام کرد و از بیان کردن همه جزئیات خودداری کرد، به او فرمود تو چنین کردی؟ پرسید چه کسی از عمل من به تو خبر داده است؟ فرمود خداوند علیم و خبیر به من خبر داده، فرمودند شما دو زن اگر به درگاه خداوند متعال توبه کنید امید است که خداوند دل‌هایتان را از انحراف و سقوط به استقامت برگرداند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۱).

این که فرموده است: " هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ.... " (بقره / ۱۸۷) " آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید " بیانگر این است که زنان و مردان اسرار خانواده خود را نزد خود محفوظ بدارند نه این که آفرینش زن اقتضای

رازداری را ندارد بلکه فضیلت اخلاقی را تاکید می‌کند که زنان را سفارش به رازداری می‌نماید.

علامه می‌فرماید: ظاهر کلمه لباس همان معنای معروفش است، یعنی جامه‌ای که بدن انسان را می‌پوشاند و این جمله استعاره است از این که زن و شوهر برای همدیگر به منزله لباس هستند که از رفتن دنبال فسق و فجور و یا گسترش آن در بین افراد جلوگیری می‌کند پس به این خاطر به لباس تعبیر شده است که لباس عیب‌های ظاهری انسان را از دیگران می‌پوشاند ولی خودجامه یا لباس از نظر دیگران پوشیده نیست لذا زن باید در محیط‌خانه هم محافظت اسرار و عیب‌های ظاهری همسر خود باشد و هم عیوبی که مربوط به زندگی زناشویی است و کسی به غیر از همسر نباید از آن آگاهی داشته باشد، این یکی از مسائل مهم زندگی است که خداوند متعال در این آیات آن را متذکر شده و در صورت عدم رعایت آن نوعی خیانت و ضعف ایمان است، به این سبب که به صورت پنهانی خداوند را نافرمانی کرده و به خود و خانواده خیانت کرده. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲/، ۴۴).

از مجموع سخنان علامه در تفسیر آیات فوق این استنباط می‌شود که، رازداری و محافظت از اسرار و عیوب دیگران و به خصوص درباره‌ی خانواده و همسر اهمیت زیادی دارد زیرا، خداوند متعال زن و شوهر را به منزله‌ی لباس همدیگر قرار داده است که باید محافظت اسرار و عیوب همدیگر باشند، لذا رعایت این رفتار و اخلاق اجتماعی تاثیر مهمی در دستیابی به سعادت و خوشبختی در زندگی افراد دارد، ولی با این همه نمی‌توان به صراحت سخن علامه را در سلوک اجتماعی زنان به طور مجزا نشان داد مگر این که در نظر داشته باشیم که محوریت این رازداری مربوط به زن در خانواده باشد و از این دریچه به موضوع نگاه کنیم مرحوم علامه برای سلوک اجتماعی زنان محیط خانواده را مورد محافظت شایسته قرار داده است.

#### -دوستی با فرزندان جهت دفع آسیب‌های اجتماعی

در تمدن اسلامی، تاکید می‌شود که در کانون خانه و خانواده، پیوند، نشاط و شادآدابی حاکم باشد، لذا، برای محقق شدن این امور و تأمین آسایش و آرامش انسان و سعادت و خوشبختی خانه و خانواده قوانین اخلاقی را ارائه می‌کند، که می‌تواند از جهت توجه زنان مورد اعتنا قرار گیرد. (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ۱۷).

خداوند در آیه ۱۴۰ سوره نساء می‌فرماید: "وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا" (نساء/ ۱۴۰) " و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که: هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد."

علامه در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: همشینی با دیگران، دوستی و معاشرت نیز از عوامل موثر در شخصیت فرزندان محسوب می‌شوند چرا که زنان بخش مهمی از رفتارهای اجتماعی خود را از طریق دوستان کسب می‌کنند، براین اساس - معاشرت‌های نامناسب، دوستان ناصالح، محیط‌های آلوده و فاسد از جمله عوامل موثر در سقوط و انحراف جوانان است، و اغلب انسان‌های ناباب دوستان خود را به گناه و فساد می‌کشاند و راه‌های مختلف گناه را به آنها یاد می‌دهند به طوری که می‌توان رایج‌ترین عامل فسادهای اخلاقی و فرهنگی در جامعه معاشرت با انسان‌های آلوده و گناه‌کار است، که اگر در محیط خانه مادر و یا همسر روابط حسنه میان خود و فرزندان ایجاد کنند به یک نوع ارزش پایدار دست می‌یابند که باید مورد توجه بسیار قرار گیرد زیرا این نوع ارتباط باعث می‌شود فرزندان رابطه‌ی خوب و دوستانه‌ای با پدر و مادر داشته باشند، که در غیر این صورت

در ارتباطشان با فضای خارج از منزل برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و یا پرکردن اوقات فراغت خود، با دوستان یا همشینیان بدکردار و یا ایرادگیری مصاحبت پیدا می‌کنند که این عمل در اخلاق، رفتار و منش فرزندان تاثیر زیادی دارد، زیرا با شرکت کردن در مجالس گناه یا همشینی شدن با آنها آینده و جایگاه آنها را خواهند داشت. (ر. ک. طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵/۱۱۶)

#### - آراستگی در عین پاسداری از حریم عفاف

در تمدن اسلامی نسبت به آرایش و زیبایی زن برای همسر بسیار سفارش شده و بر عکس از خودآرایی و خودنمایی برای نامحرمان نهی فرموده است.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب/۳۲)

"ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سرِ پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید."

مرحوم علامه در ذیل آیه شریفه می‌فرماید که تقوا و رشد منزلت زنان در آن است که تکالیف خود را در برابر همسر خود ادا کنند و خیر و شر از جزا و پاداش برای زنان بر همسن موضوع مترتب است، "و تؤید بل تدل علی تأکید تکالیفهن مضاعفه جزائهن خیرا و شرا کما دلت علیها الآیه السابقه فإن مضاعفه الجزاء لا تنفک عن تأکید التکلیف." (طباطبایی ۱۴۱۷ق، ۱۶/۳۰۸)

برداشت ما از سخنان علامه در تفسیر آیه شریفه این است زن با حفظ حریم عفاف و ارزش‌های خانوادگی و همچنین محبت به همسر خود بنیان خانواده را مستحکم می‌کند چرا که رعایت عفت و پاکدامنی زن یکی از مهمترین انتظارات شوهر نسبت به همسرش است که این امر خود باعث پایداری و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی می‌شود.

#### - رعایت اخلاق حسنه

رعایت اخلاق حسنه و پایبندی به رفتارهای اخلاقی شایسته و پرهیز از پلیدی‌ها پیوند زناشویی را محکم، و محبت به یکدیگر را استوارتر می‌کند، و درسی عملی برای فرزندان خانواده است، عمل کردن به این رفتارها و سلوک‌های اخلاقی نسبت به یکدیگر، محیطی از صفا و صمیمیت، پاکی و سلامت، راحت و امنیت، عشق و محبت بوجود می‌آورد و زن و شوهر به آرامش دست می‌یابند، خوش اخلاقی و مهربانی یکی از برجسته ترین فضایل اخلاقی است که باعث استحکام و پایداری روابط خانوادگی و پیوندهای دوستانه و همچنین سبب صبر در برابر مشکلات و ناهمواری‌های زندگی می‌شود.

در این راستا می‌توان این کلام زیبای خداوند را برای سلوک اجتماعی زنان نیز در نظر گرفت هر چند که علامه در ظاهر به زن اشاره نکرده ولی از خطاب عام آن می‌توان فهمید که به سلوک اجتماعی برای زن و مرد مربوط است و از بعد ارتباط با زنان نیز می‌توان گفت خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به وارستگی اخلاقی ستوده و می‌فرماید:

" فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ " (آل عمران/۱۵۹)

" پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در

کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد."

علامه ذیل آیه شریفه می‌فرماید: در این آیه به آداب و سلوک اجتماعی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره شده است، ایشان با مهربانی و خوش اخلاقی با مردم رفتار می‌کردند و ظلم و آزار و اذیت آنها را با عطف و مغفرت پاسخ می‌دادند و

همیشه با خوش رویی در امور مربوطه با مردم مشورت می کردند، خداوند متعال این رفتار رسول خدا را تحسین می کردند زیرا این منش اجتماعی ایشان در بسیاری از موارد باعث خودداری از انجام اعمال ناپسند و طلب مغفرت از درگاه خداوند می شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴/، ۵۶).

برداشت ما از سخنان علامه این است که مزین بودن به این سلوک اجتماعی دارای اثرات دنیوی و اخروی است، اثرات دنیوی آن می تواند شامل جلب محبت دیگران که در اثر بخشی سخن فرد بر دیگران بسیار مفید باشد، دست یابی به شرافت و برتری در اجتماع و جمع خانواده و دوستان، مسلماً دارا بودن این اخلاقیات، در کاهش عذاب انسان در روز قیامت موثر است و به همین خاطر است که خداوند پیامبران الهی و سفیران خود را انسان های مهربان و رئوفی برگزید تا با حسن خلق خود بهتر بتوانند در هدایت مردم به آئین الهی اثرگذار باشند.

### ب: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه ای اجتماع) با توجه به تفسیر المیزان چیست؟

جامعه به مجموعه ای از افراد گفته می شود که به شکلی با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند و این ارتباط در محیطی گسترده تر از خانواده صورت می گیرد، انسان در هر دوره ای از زندگی خود نیازمند حضور در جامعه است، زیرا بشر فطرتاً اجتماعی آفریده شده است و معمولاً با حضور در جامعه و کمک دیگران به رشد و کمالات فکری و فرهنگی و اجتماعی دست می یابد، و دین اسلام با ارائه قوانین و ارزش های شایسته زمینه حضور مفید و مؤثر زنان را در صحنه های مختلف اجتماع بوجود آورد زیرا فعالیت زنان متدین و با فضیلت با رعایت عفت و پاکدامنی می تواند منشأ برکات فراوانی در تمدن اسلامی می باشد، در این صورت جامعه برای رشد و شکوفایی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند حضور اجتماعی زنان متدین و پاکدامن است، و حضور زنان در اجتماع مشروط به پایبندی به اصول و ارزش های اسلامی، رعایت حریم محرم و نامحرم، رعایت آداب معاشرت، پوشش مناسب است.

#### - انگیزه یا شرط حضور زنان در جامعه

اجتماعی بودن انسان از برجسته ترین ویژگی های اوست به گونه ای که نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤولیت های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می کند که او مراقب اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می افتد. در زمینه حضور یا مشارکت زنان در اجتماعی تمدن اسلامی می توان امر به معروف و نهی از منکر را اشاره نمود که این امر مشارکت در امور شایسته جامعه و نهی از کارهای ناشایست است که نمی توان نقش زنان را در این زمینه نادیده گرفت لذا با ذکر آیه ۹ سوره قصص درباره جریان حضرت موسی و نجات وی توسط همسر فرعون نمونه ای از حضور شایسته زنان در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است.

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

"وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنٌ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَكَلْدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ" (قصص / ۹)

"و همسر فرعون گفت: [این کودک] نور چشم من و تو خواهد بود. او را مکشید. شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها خیر نداشتند." علامه در تفسیر آیه شریفه می فرماید: این آیه میانجی گری همسر فرعون را حکایت می -

کند که هنگام گرفتن حضرت موسی از آب و آوردن ایشان نزد فرعون حضور داشته است و در آن هنگام خطاب به همسرش می‌گوید: این کودک نور چشم من و تو است، او را نکشید، "قره عین لی و لک لا تقتلوه" بنابراین همسر فرعون پیشنهاد فرزندی او را پذیرفت، بر این اساس همسر فرعون این سخن را گفت، و این میانجی‌گری ایشان بلای کشتن را از حضرت موسی (علیه السلام) برگردانید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶/، ۱۱)

### - آداب حضور زنان در اجتماع

اما مشارکت اجتماعی زنان در تمدن اسلامی، از دیدگاه اسلام دارای آداب و سلوکی است که ترغیب به حضور اجتماعی آنها در تمدن اسلامی مشروط به رعایت این آداب است که به صورت مختصر بعضی از آنها را بیان می‌کنیم.

#### - حفظ چشم

قرآن زنان و مردان مومن را به حفظ چشم فرمان می‌دهد و این به معنی بستن دیدگان نیست بلکه خودداری از نگاه فتنه‌انگیز و حرام یا خیره نگاه کردن است آیه ۳۱ سوره نور به این موضوع اشاره دارد.

"وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (نور/۳۱)

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

علامه در ذیل آیه می‌فرماید: که خداوند متعال بر نگاه کردن دقت داشته و آنچه که حکم عورت دارد باید از هر زن و مرد بیگانه‌ای پوشیده شود، منظور از زینت جایگاه زینت است زیرا خود آن چه را که برای زینت بکار می‌رود مانند دست بند فی نفسه آشکار شدنش حرام نیست ولی از آن‌جا که آشکار شدن دستواره‌ها و یا موارد دیگر باعث آشکار شدن قسمت‌هایی از بدن می‌شود حرام است، بنابراین زنان در محیط اجتماع باید از پوشش مناسبی برخوردار باشند که باعث جلب توجه نامحرمان نشوند، این موجب می‌شود که چشم‌های هرزه به آنها دوخته نشود و آلت لهو و لعب هوسبازان در خیابان و یا مراکز اداری قرار نگیرد، عظمت، متانت، وقار آنها محفوظ و از آزار و اذیت هوسبازان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در امان باشند، از اعمال ناشایست برای زنان این است که خود با پوشش نامناسب در اجتماع به خودنمایی بپردازد، که در این نه تنها صورت ضربه‌ای عظیم بر انسانیت، شخصیت و جایگاه ممتاز خود زده و روحش را آلوده کرده بلکه خانواده و جامعه را در معرض آفات و آسیب‌های فراوان قرار می‌دهد، زیرا سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود و انتقال ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی و اجتماعی در درجه اول به عهده خانواده‌ها به خصوص مادر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که جامعه سالم نیازمند مادران سالم



است و جامعه فرهنگی، دینی و ارزشی، جامعه‌ای است که مادران آن از بینش و تفکر سالم فرهنگی، اجتماعی، دینی و ارزشی برخوردار باشند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵/، ۱۱۲-۱۱۱).

دیدگاه علامه در این باره این چنین است که دین اسلام جمال و زیبایی را دوست دارد و حتی از زنان می‌خواهد که در محیط خانه خود را برای شوهرانتان بیارایید، ولی از آشکار کردن زینت و آرایش خود یا رعایت نکردن حجاب و عفاف در محیط اجتماع نهی فرموده است، در واقع حجاب بر ارزش و احترام زن می‌افزاید و باعث استحکام جامعه و زندگی خانوادگی می‌شود و از فساد و تباهی آن جلوگیری می‌شود.

#### - شیوه‌ی گفتار زنان در اجتماع

در قرآن کریم از اختلاط و حضور غیر ضروری زن در اجتماع مردان منع شده است، دین اسلام علاوه بر پوشش مناسب و نگاه پیراسته از آلودگی و گفتگوی سالم با نامحرم نیز تاکید شده، و این که در گفتگو و تعامل بین زن و مرد فقط غض بصر و پوشش مناسب از بروز فتنه جلوگیری نمی‌کند، بی‌تردید محتوای سخن می‌تواند فتنه‌انگیز باشد، زن و مرد نامحرم هنگام حضور و مشارکت در اجتماع باید در سخن گفتن از سخنان لغو و بیهوده پرهیزند و سخنان نیکو، جدی و مورد پسند عرف اسلامی باشد.

"یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا" (احزاب/ ۳۲) "ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سرِ پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید."

علامه در تفسیر آیه شریفه می‌فرمایند که در این آیه به طور ویژه دستورات ارزنده‌ای برای زنان قرار داده و نسبت به آنها تاکید شده، شیوه گفتار زنان با ایمان و مقید با مردان بیگانه باید سنجیده و جدی باشد و از هرگونه اداهای ناسازگار با عفاف و نجابت و برانگیختن هوی و هوس دل‌های بیمارگونه بدور باشد، باید در سخن گفتن به معروف سخن گویند "وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا" منظور سخن درستی است که واژه‌ها و جملات آن از نظر ظاهر، قالب و محتوا مورد قبول شریعت اسلامی و پندآموز باشد، حاوی مطالب منکر و زشت نباشد، سخنی که فقط مدلول خود را برسانند و از سخنان بیهوده، لهو لعب و دور از ادب و اخلاق پرهیزند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶/، ۳۰۸)

برداشت ما از سخنان علامه در تفسیر آیه این چنین است که خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآنی در مورد شیوه‌ی گفتار به زنان تاکید می‌کند، منظور از شیوه‌ی گفتار به صورت عادی آن است که سخنی معمولی و پایدار و روشن که شرع و عرف اسلامی آن را می‌شناسد و تایید می‌کند و از ناحیه زنان بیان می‌شود و گویی در حکم سلوک اجتماعی آنان از بعد بیانی می‌باشد، و گفتار معروف همان گفتاری است که در آن لحن بیش از آن‌چه مقصود را بیان می‌کند نمایان نشود و زمینه را برای فساد مهیا نکند، بنابراین لحن سخن و چگونگی صدا هنگام سخن گفتن با نامحرم باید طوری باشد که زمینه‌ساز انحراف نشود زیرا در این صورت عواقب آن گرفتار خود زنان می‌شود و زنان باید در سخن گفتن عفت کلام داشته باشند و خلاصه سخن بگویند زیرا باناز و ادا سخن گفتن با نامحرم نشانه‌ی بی‌تقوایی است.

#### - پوشش مناسب زنان در اجتماع

پوشش مناسب و حجاب و عفاف اسلامی از مهم‌ترین آداب و سلوک برای حضور و مشارکت زنان در تمدن اسلامی است،

عبارتست از حفظ شرم و حیای زن که با چشم فرو بستن از نگاه به نامحرم و پوشاندن حجاب برتر است، و منظور از حجاب پنهان کردن زن و حبس کردن او در خانه و بیرون نرفتن برای انجام کارهای ضروری نیست، بلکه اسلام در پرتو رسالت خود با ارائه این قوانین و سلوک خواسته است که جامعه بشری را از این بی بندوباری و هرزگی سالم و مصون بماند، لذا این این قوانین و اصول را مبنای مشارکت زنان در امور اجتماعی قرار می‌دهد که بر این اساس مشکلات مربوط به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه که همانند میکروب‌های بیماری‌زا بیمار مبتلا به آنها در رنج و عذاب است، را حل نماید. (فقی رسول، ۱۳۷۹ش، ۱۶۶-۱۵۵).

"يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً." (احزاب / ۵۹)

"ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است"

علامه در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: "جلباب" یعنی جامه‌ای بلند که تمام بدن را بپوشاند و یا روسری و مقنعه مخصوصی که صورت و سر را می‌پوشاند، این که خداوند متعال می‌فرماید، ای رسول خدا به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن امتت بگو که جلبابهای خود را طوری جلو بکشند که زیر گلو و سینه هایشان آشکار نباشد و این پوشاندن بدن به این که، این صورت شناخته شوند که اهل عفت و حجابند نزدیکتر است، در نتیجه وقتی مردان بدانند آنها اهل حجاب هستند، دیگر آنها را اذیت و آزار نمی‌کنند و اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی‌شوند. و یا این پوشش نزدیکتر است به این که آنها را به عنوان زن مسلمان و آزاد بشناسند و متعرض آنها نشوند، چون کنیزان در آن زمان حجاب نداشتند. و دیگر این که این نوعی رحمت، آمرزش و عیب پوشی و خداوند نسبت به بندگان است.

برداشت ما از سخنان علامه این چنین است که زنان در اجتماع رعایت نکردن پوشش مناسب و کامل مورد آزار و اذیت قرار گرفته می‌شوند، باید هنگام خروج از خانه پوشش مناسب داشته باشند تا به عفت و حجاب شناخته شوند و در نتیجه از آزار و اذیت مصون باشند، بنابراین باید با عنایت به باورهای دینی درباره‌ی پوشش و حجاب به ضرورت و فلسفه آن و آثار فردی و اجتماعی آن پی ببرند و عملاً به حجاب و پوشش پایبند باشند چرا که بخشی از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه بخاطر بدحجابی و پوشش نامناسب است.

#### - رعایت حیا و عفت در اجتماع

حیا در اصطلاح همان ملکه نفسانی است که باعث حفظ نفس از کارهای زشت و خلاف ادب می‌شود تا مورد سرزنش قرار نگیرد، و عفاف نیز به همین معناست، یعنی حالتی درونی که موجب خویشتن داری از تمام هرزگی‌ها و بی بندوباری هاست، رعایت حیا و عفاف، میان زن و مرد به تناسب آفرینش هر یک از آنها متفاوت بوده، زیرا حیا خصلتی بشری است و صرف نظر از گرایش‌های فرهنگی و مذهبی قابل اجرا می‌باشد، در دنیای کنونی، مطابق قوانین جهانی، اعمال منافی عفت جرم محسوب می‌شود و بی‌عفتی مورد نفرت و نارضایتی انسانهاست، (فتاحی نژاد، ۱۳۸۳ش، / ۲۰۴)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): فرمودند: بهترین زنان شما زن عقیف و پاکدامنی است که خود را فقط برای شوهر آرایش می‌کند و در برابر بیگانگان خویشتندار و عقیف است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، / ۵، ۳۲۴)

قرآن آیه‌ای در این زمینه آورده "فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ" (قصص / ۲۵) "پس یکی از آن دو زن- در حالی که به آزر گام بر می‌داشت- نزد وی آمد [و] گفت: «پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب‌دادن [گوسفندان] برای ما، مزد دهد.» و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد، [وی] گفت: «مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی»

در این آیه صفت حیا به دختر شعیب نسبت داده شده، دانایی و عمق نگرش دختر شعیب، نمونه‌ای واضح در باره‌ی شناخت استعداد های تردید ناپذیر زنان است، وی بعد از یک برخورد کوتاه موسی را بسیار شایسته و صاحب اخلاق و رفتارهای فاضله‌ای دانست زیرا نحوه‌ی آب دادن ایشان به گوسفندان فهمید که او فردی نیرومند است، همچنین، عفتی که موسی در برخورد با دختران شعیب داشت، به پدرش پیشنهاد کرد که او را استخدام نماید حضرت شعیب‌اید دوراندیشی دخترش را پذیرفت، بنابراین می‌توان گفت زنان که هسته‌ی اولیه‌ی هدایت فکری، اعتقادی و عاطفی جامعه هستند وجود حیا و عفت در آنها مستلزم قدرت تفکر است و این چنین است که مناسب مشورت کردن در موارد گوناگون هستند، هر چند که وظیفه‌ی اصلی آنها حفظ کانون هدایت و پر مهر و صفای خانواده است، بنابراین نباید بهانه‌ی حضور در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی جهت تداوم مسئولیت‌ها باعث انحطاط شأن و منزلت انسانی زنان گردد بی‌بندوباری و فساد اخلاقی را دامن زنند و در نتیجه زمینه‌ی از هم گسیختگی نظام خانواده و فروپاشی آن را فراهم کند. (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶، ۲۶)

از سخن علامه در تفسیر آیه این طور برداشت می‌کنیم که راه رفتن زنان از روی استیحاء به معنی آشکار شدن همان حفظ پاکدامنی است که در راه رفتن آنها نیز نمایان است، و از طرفی نقش اولیه و اصلی زنان نقش مادری و تربیت صحیح فرزندان در محیط خانه است، و بهانه حضور آنها در جامعه نباید باعث غفلت از این وظیفه خطیر شود، هر چند که حضور آنها در جامعه باید بر اساس موازین و رفتارهای اسلامی و اخلاقی باشد.

### ج: سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی اقتصادی) با توجه به تفسیرالمیزان چیست؟

اقتصاد به فعالیت‌های یک مجموعه انسانی در ارتباط با تولید، مصرف، توزیع کالا و کاربرد ثروت و دارایی اطلاق می‌شود. (فرهینی فراهانی، ۱۳۷۸ش، / ۱۷۷) تمدن اسلامی و دین اسلام، دین اعتدال و میانه است و از افراط و تفریط در همه امور بدور است، مردم را به اعتدال و میانه‌روی دعوت می‌کند تا جامعه‌ای معتدل برپا کند که تساوی و تناسب بر تمامی ابعاد فکری، عقیدتی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن حاکم باشد و افراد آن از افراط و تفریط که نشانه‌ی نادانی و راه و رسم گمراهان و گمراه‌کنندگان است پرهیزند. (بیستونی، ۱۳۸۸ش، / ۱، ۲۵)

علامه در ذیل آیه ۳۲ سوره نساء سخنانی ارزشمند پیرامون اشتغال زنان و نقش اقتصادی آنان در اجتماع تمدن اسلامی ارائه داده‌اند که نخست به آیه اشاره می‌شود و سپس سخن علامه توضیح داده می‌شود.

" وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا... " (نساء/ ۳۲) " و زنها، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید،

که خدا به هر چیزی داناست."

علامه می‌فرماید: از این آیه آشکار می‌شود که منظور از اکتساب نوعی از تعیین حوزه مالی است که حریم خصوصی را موجب می‌شود، خواه با کاری اختیاری بدست آمده باشد، "ذلک علی النساء لأن موقعهم فی المجتمع الإنسانی موقع یتدعی ذلک دون موقع النساء، و خصوصاً فی المیراث بمثل حظ الأنثیین لذلک أيضاً، و كذلك النساء خصصن بنصف سهم الرجال و جعل نفقتهن علی الرجال و خصصن بالمهر لاستدعاء موقعهن ذلک، و كذلك ما اکتسبته إحدى الطائفتین من المال بتجارة أو طریق آخر هو الموجب للاختصاص، و ما الله یرید ظلماً للعباد"

مانند فعالیت زن در یک صنعت یا حرفه و خواه آن که به صورتی غیر از آن بدست آمده باشد مانند فضیلتی که در او یافته شده است هر کدام از این موارد که برای انسان پیدا شود با عنوان مذکر یا مؤنث سهم و نصیب را برای او موجب می‌شود، "و من هنا یتضح أن المراد بالاکتساب هو نوع من الحیاة و الاختصاص أعم من أن یکون بعمل اختیاری کالاکتساب بصنعة أو حرفة أو لا یکون بذلک لکنه یتنهی إلى تلبس صاحب الفضل بصفة توجب له ذلک کتلبس الإنسان بذکوریة أو أنوثیة توجب له سهماً و نصیباً کذا". ( طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴/، ۳۳۸-۳۳۷)

منظور علامه در تفسیر آیه شریفه این است که ملاک برتری هر یک از زن و مرد کارهایی است که ساختمان وجودی و یا موقعیت اجتماعی آنها اقتضا می‌کند و بعضی از برتری‌هایی که خاص مردان و زنان است، و هدف اصلی زن و مرد از هرگونه فعالیت دست یابی به کمال و قرب الهی است بنابراین لازم است که نحوه حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی به گونه‌ای باشد که مانع به دست آوردن کمال نشوند زیرا حفظ حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب آن را رعایت می‌کردند.

#### د) سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی (عرصه‌ی سیاسی) با توجه به تفسیرالمیزان چیست؟

سیاست یعنی هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، و مقاصد و اهداف و چگونگی فعالیت‌های دولت می‌باشد. (آشوری، ۱۳۶۶ش، ۲۱۲) حال با توجه به این تعاریف هر یک از اقسام جامعه خود نقشی مثبت یا مخرب در جهت پای‌بندی به این آئین حکومت‌داری دارند و هر دو در امر سیاست فعالیت می‌کنند، حال آیا زنان در جامعه اسلامی براساس مبانی قرآنی می‌توانند کارایی شایسته‌ای داشته باشند و آیا این کارایی در حد سلوک و منش اجتماعی آنها می‌تواند قرار بگیرد براین اساس به تفسیرالمیزان مراجعه می‌کنیم تا نظرات علامه طباطبایی را در این مورد برای پاسخ‌گویی به این سوالات بیابیم.

#### - زنان و جهاد و هجرت

جهاد یکی از احکامی است که حکم اجرای آن درباره‌ی زن و مرد متفاوت است، به این خاطر که جهاد در راه خدا و به میدان جنگ رفتن در صورت وجود شرایط تنها برای مردان است و از زنان به‌خاطر نداشتن توانایی جسمی و روحی این مسئولیت برداشته شده است، براین اساس اگر چه مشارکت زنان در میدان‌های جهاد به عنوان مقابله و نبرد با دشمن ممنوع است، ولی به طور کلی شرکت در جهاد ممنوع نمی‌باشد، یعنی به عنوان تدارکات و یا مداوای مجروحین و امثال این قبیل امور حق شرکت دارند، جهاد و دفاع در فقه دو عنوان مستقل دارند که زنان بخاطر شرایط جسمانی و روحی نمی‌توانند مشارکت داشته‌باشند، اما در دفاع که دشمن هجوم می‌آورد و جان مسلمانان و موقعیت جامعه اسلام به خطر می‌افتد بر همه طبقات حتی

زنان هم واجب است که هریک به مقدار توانایی خود به مقابله برخیزد. (نوری، ۱۳۴۷ش، ۹۹/)

"فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِّنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ" (آل عمران) "پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که:] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباه نمی‌کنم پس، کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، بدیهایشان را از آنان می‌زدایم، و آنان را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست."

علامه در ذیل این آیه پیرامون سیاست و نقش زنان چنین می‌فرماید:

هجرت یکی از حرکت‌های سیاسی و اجتماعی است که در صدر تمدن اسلام صورت گرفته است، و این حرکت از سوی همه مسلمانان خواه مردان و خواه زنان در سال سیزدهم بعثت انجام پذیرفت که زنان در این امر مشارکت داشتند، از دیدگاه علامه هجرت امری است که با آئین حکومت‌داری ارتباط دارد و در این زمینه درباره هجرت زنان چنین می‌نویسد: منظور از هجرت زنان، این نیست که به شکل مستقیم از مردان خود به طرف یثرب حرکت کنند بلکه در رکاب مردان خود و در جهت یاری دین خدا و تبلیغ دین، وحدت و یگانگی می‌باشد که خداوند متعال نیز در این آیه از آن یاد کرده است، و فرقی میان هجرت زن و مرد نگذاشته است و آنها را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرایط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنس و تفاوت ساختمان جسمانی و برخی تفاوت‌های دیگر را در مسؤولیت‌های اجتماعی، دلیلی بر تفاوت این دو از نظر بدست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد، بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار می‌دهد، علاوه بر این امر، زنان نیز همچون مردان بر اساس ضرورت و احساس مسؤولیت حق دارند هجرت و جهاد کنند و نسبت به ریاست حاکم بر جامعه بی تفاوت نباشند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴/، ۸۸/)

با توجه به این سخن علامه می‌توان گفت که آمادگی زنان مسلمان برای مشارکت در نظم و انسجام امور مهم حکومت‌داری اقتضا می‌کند که به عنوان منش آنها در زندگی مدنظرشان باشد به عبارت دیگر زن مسلمان کسی است که در اطاعت از امر حاکم شرع و ولی امر خود را آماده می‌سازد حتی اگر امور سیاسی و اجتماعی باشد، که به حول و قوه الهی شرکت می‌کند و از این حضور و مشارکت خود پشیمان نمی‌شود، مانند مشارکت در جهاد، نماز جمعه، اعمال سیاسی و عبادی حج، و بیعت با اولوالامر، و یا این که در امور بنیادینی که سیاست جامعه اسلامی بر آن استوار است مشارکت فعال داشته باشند.

#### – زنان و بیعت با اولوالامر

یکی دیگر از نمادهای فعالیت و مشارکت سیاسی در تمدن اسلامی، پیمان‌نامه‌های اجتماعی است که در سطوح بالای مسئولان اجتماع و بلاد صورت می‌گیرد و در صدر اسلام بیعت‌هایی همچون پیمان عقبه اول و بیعت غدیر بیانگر ارزش این نماد سیاسی است، زنان مسلمان در فتح مکه با پیامبر عهد و پیمانی منعقد کردند که در تاریخ به بیعت النساء نیز مشهور شده است که آیه دوازده سوره ممتحنه به نقش سیاسی زنان در اجتماع به طور واضح اشاره می‌کند که صرف نظر از شان نزول آیه، محتوای آن در همه دوران‌ها کاربردی است.

" يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا

يَأْتِينَ بِيَهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرُ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" (ممتحنه/ ۱۲)

"ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه‌های حرامزاده‌ای را که پس انداخته‌اند با بیعتان [و حيله] به شوهر نبندند، و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است."

این آیه کریمه بیعت زنان مسلمان با پیامبر را بیان می‌کند که بعضی از قوانین این حضور بین زن و مرد مشترک است مانند شرک نوزیدن، ترک زنا و سرقت، ترک تهمت، افتراء، نافرمانی نکردن در برابر دستورات سازنده رسول خدا، زنان و مردان در ساختار تمدن اسلامی مسئول هستند، باید سهم خود را در استواری و نگهداری این بنیان ایفا کنند و در دست‌یابی جامعه به سعادت و کمال و سالم سازی اجتماع از انحرافات فکری و جنسی تلاش نمایند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، / ۱۹، / ۲۴۳)

از بیانات علامه برمی‌آید که بیعت زنان با رسول خدا امری منحصر به آن دوران نمی‌داند بلکه در جهت استواری و نگه داری ساختار اجتماع در هر دوره این بیعت می‌تواند قابل قبول باشد البته این به شرطی است که والیان امر از دستورات و گفتارهای پیامبر را دریابیم و آنها را همانند رسول خدا قرار دهیم، نکته جالب که در این جا وجود دارد آن است که آیه اطاعت از اولوالامر که بدون قید و شرط و به دنبال اطاعت از رسول خدا در قرآن آمده در سوره نساء آیه ۵۹ می‌باشد، و در ادامه همان آیات مسئله فرمانبرداری کردن از رسول خدا و عدم سرکشی از آن حضرت از پایه‌های ایمان ذکر شده است، در سوره ممتحنه آیه ۱۲ به محتوای پیمان زنان با پیامبر اکرم این گونه خاتمه می‌دهد که زنان مومن پیمان می‌بندد که در امور شناخته شده و پسندیده نافرمانی از رسول خدا نکنند، همان رسولی که سرپرست و حاکم آنان است.

#### - زنان و قضاوت

قضاوت یک منصب و مقام شرعی و یکی از مهمترین ارکان حکومت تمدن اسلامی است، قضا در لغت به معانی گوناگونی اطلاق می‌گردد، به معنای رأی، حکم، اراده و الزام آمده است در اقب الموارد به معنی "فصل و حکم" (شرتوتی لبنانی، ۱۸۸۹م، ۲/، ۱۰۱۰) و در تاج العروس نیز به معنی "حکم" آمده است. (حسینی الزبیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۹۶) همچنین در قاموس المحيط به معنی "حکم کردن"، "پرداختن"، "پروا کردن"، "حجامت"، "قرض را دادن" ذکر شده و قضاوت به معنی حکم کردن بین دو نفر یا بیشتر آمده است. (فیروزآبادی، ۱۴۰۳ق، ۴/، ۳۷۸)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً (نساء/ ۳۴)"

مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند. پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است."

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: مرد و زن در آزادی اراده و عمل از همه جهات دارای شخصیت مساوی و یکسانی

هستند، مگر در اموری که مقتضای وضع روحی و عاطفی او باشد. زن زندگی احساسی و عاطفی دارد ولی مرد دارای حیات عقلانی است، زن از مناصب قضاوت و حکومت و جهاد محروم است، زیرا این‌ها از اموری هستند که باید مبتنی بر تفکر و تعقل باشند نه احساس، بنابراین جهات عمومی اجتماعی همچون حکومت و قضاوت که حیات اجتماع بر آن دو متوقف است با تعقل و تفکر جریان می‌یابد، همانند دفاع و جنگ که با سختی‌ها وقوه تعقل همراه است و چون طبیعتاً قوه تعقل مردان بیشتر از زنان است، و همچنین توان و تحمّل بیشتر آنها در برابر دشواری‌ها لذامردان می‌توانند متصدی این امور گردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴/، ۳۴۴-۳۴۳). از سخن علامه طباطبایی فهمیده می‌شود که "قاضی شدن" نباید در سلوک اجتماعی زنان نقشی داشته باشد و این امر در فقه اسلامی مورد تایید است که قضاوت از دوش زنان برداشته شده است.

## نتیجه گیری

علامه طباطبایی برای اثبات نظرات خود درباره‌ی سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی و ارائه ضوابط و آداب آن از شواهد و داستان‌های قرآنی و روایات متعددی که پیرامون زنان می‌باشد استفاده کرده است و در سلوک اجتماعی زنان معتقد است آنان - هسته‌ی اولیه‌ی هدایت فکری، اعتقادی و عاطفی تمدن اسلامی هستند و باید بر این پایه منش اجتماعی خود را شکل دهند و وظیفه‌ی اصلی آنها حفظ کانون پرمهر و صفای خانواده است، و اگر سلوک اجتماعی خود را تنها محدود و معطوف به خانواده نمایند بر آنان ایرادی نیست بلکه کمال خود را آشکار کرده‌اند. زن شخصیتی است که مسئولیت تربیت و سازندگی را در خانواده برعهده دارد و همین بعد است که شأن و منزلت او را حفظ می‌کند و به زیبایی شکوفا می‌سازد و به سر منزل مقصود می‌رساند، بعد اجتماعی او امری ثانوی است.

بنابراین، حضور زن عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی تمدن اسلامی، نباید عامل انحطاط شأن و منزلت زنان گردد چرا که باعث بی بند و باری و فساد اخلاقی می‌شود و زمینه‌ی از هم گسیختگی نظام خانواده و فروپاشی آن را فراهم کند، پس بخش عمده‌ی شکل‌گیری سلوک اجتماعی زنان در نظر علامه در تربیت فرزندان در محیط خانه رقم می‌خورد و باعث سعادت و پیشرفت - خانواده و به تبع آن اجتماع می‌شود، رشد و انتقال ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خانواده‌ها به خصوص مادر است. پس می‌توان گفت که جامعه‌ی سالم نیازمند مادران سالم است و جامعه‌ی فرهنگی، دینی و ارزشی، جامعه‌ی ای است که مادران آن از سلوک اجتماعی سالم بر پایه دین‌داری برخوردار باشند.

در نتیجه به نظر علامه سه چیز محور اصلی سلوک اجتماعی زنان تمدن اسلامی بحساب می‌آید

۱- تامین هدف خلقت از دیدگاه قرآن آنگونه که شایسته زنان و مردان باشد

۲- تحقق شایسته احکام و شریعت اسلامی در همه ابعاد آن

۳- حفظ حرمت زنان و توجه شایسته به عفت و پاکدامنی آنان در عین شکوفایی کمالات اخلاقی

اگر کلام علامه را این چنین در نظر بگیریم که آنچه فرموده برخواسته از ایده پایدار ایشان باشد همه آن موارد بیانگر سلوک و منش زنان نیز می‌باشد.

و علامه طباطبایی این موضوع مهم را در آیاتی که پیرامون والدین می‌باشد به صورت مستقیم و غیره مستقیم پی‌گیری کرده است

هرچند که در بسیاری موارد به جملات کلی و کوتاه اکتفا نموده و در آن موضوع خاص سلوک اجتماعی زنان را به طور شفاف نشان نمی‌دهد، و در این راستا تنها مواردی را که قرآن از زنان مطرح کرده و خاص آنها می‌باشد در جهت تعیین حدود مرز حقوق آنها و کیفیت استفاده از آن حقوق بیان نموده است، و متأسفانه پی‌گیری زنان در چگونگی استفاده از این حقوق سلوکی را ایجاد کرده است که آسیب‌پذیر گشته و مورد سوءاستفاده مردان قرار گرفته است.

## منابع

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۶۶ ش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی.
۲. بیستونی، محمد، ۱۳۸۸ ش، آیات النساء فی القرآن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۳ق، مکارم الاخلاق، مترجم: ابراهیم میر باقری، قم، انتشارات الشریف الرضی.
۴. طبسی، محمد جواد، ۱۳۷۳ش، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۵. فتاحی نژاد، فتیحه، ۱۳۸۳ش، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۶. فرمهبینی فراهانی، محسن، ۱۳۷۸ش، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، انتشارات اسرار دانش.
۷. فقی رسول، جمال محمد، ۱۳۷۹ش، زن در اندیشه اسلامی، مترجم: دکتر محمود ابراهیمی، تهران، شرکت نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۹. مودب، سید رضا، ۱۳۸۶ش، روشهای تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم.
۱۰. نوری، یحیی، ۱۳۴۷ش، حقوق زن در اسلام و جهان، تهران، انتشارات موسسه مطبوعاتی فراهانی.
۱۱. قرآن کریم
۱۲. حسینی زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، ۱۳۷۳ش، تاج العروس من جواهر القاموس، قم، انتشارات دارالفکر.
۱۳. شرتونی اللبانی، سعید، ۱۸۸۹م، اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد، بیروت، دارالاسوه للطباعه والنشر.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، ۱۴۰۳ق، القاموس المحيط، قاهره، المطبعه الحسینیة.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ش، اصول الکافی، تهران، ناشر کتاب فروشی علمیه اسلامیة.